

## اختصارات

AAI → Arab American Institute	مؤسسه اعراب امریکا
AARP → American Association of Retired Persons	انجمن بازنشستگان امریکا
AAUG → Association of Arab American University Graduates	انجمن فارغ التحصیلان دانشگاهی عرب امریکا
ADC → America-Arab Anti-Discrimination Committee	کمیته ضد تبعیض عرب امریکا
ADCRI → Anti-Discrimination Committee Research Institute	مؤسسه تحقیقاتی کمیته ضد تبعیض
ADL → Anti-Defamation League	جامعه ضد رسوایی
AEI → American Enterprise Institute	مؤسسه سرمایه امریکا
AFSC → American Friends Service Committee	کمیته خدمات دوستان امریکا
AHEPA → American Hellenic Educational Progressive Association	انجمن پیشرفته آموزشی یونانیان امریکا
AHI → American Hellenic Institute	مؤسسه یونانیان امریکا
AIPAC → American Israel Public Affairs Committee	کمیته امور عمومی اسرائیل - امریکا
ATFP → American Task Force on Palestine	نیروی ویژه امریکا درباره فلسطین
AWACS → Airborne Warning and Control System	سیستم کنترل و هشدار هوایی
AZEC → American Zionist Emergency Council	شورای اضطراری صهیونیستهای امریکا
CAIR → Council on American Islamic Relations	شورای روابط اسلامی امریکا
IRMEP → Institute for Research: Middle Eastern Policy	مؤسسه مطالعات سیاست خاورمیانه‌ای
JDL → Jewish Defense League	جامعه دفاعی یهودی
Memri → Middle East Media Research Institute	مؤسسه تحقیقاتی رسانه‌ای خاورمیانه
MERIP → Middle East Research and Information Project	پروژه اطلاعات و تحقیق خاورمیانه

MESA → Middle East Studies Association	انجمن مطالعات خاورمیانه
MPAC → Muslim Public Affairs Council	شورای روابط عمومی مسلمانان
NAAA → National Association of Arab American	انجمن ملی اعراب امریکا
NSC → National Security Council	شورای امنیت ملی
OPEC → Organization of Petroleum Exporting Countries	سازمان کشورهای صادرکننده نفت
PACs → Political Action Committees	کمیته اقدام سیاسی
PHRC → Palestine Human Rights Campaign	بارزه برای حقوق بشر فلسطین
PLO → Palestine Liberation Organization	سازمان آزادی بخش فلسطین
R and D → Research and Development	توسعه و تحقیق
TRNC → Turkish Republic of North Cyprus	جمهوری ترک شمال قبرس
UHAC → United Hellenic American Congress	کنگره امریکایی یونانیان متحد
UJA → United Jewish Appeal	دادخواست متحد یهودی
WINEP → Washington Institute for Near East Policy	مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک
ZOA → Zionist Organization of America	سازمان صهیونیستی امریکا

## مقدمه مترجمان

خانم جنیس جی. تری، نویسنده این کتاب، استاد گروه تاریخ مدرن خاورمیانه در دانشگاه میشیگان شرقی است. وی مقالات و کتب زیادی را درباره خاورمیانه به نگارش درآورده است. این کتاب که در زمینه گروههای ذی نفوذ و لابی تأثیرگذار در سیاست خارجی امریکاست، به شکل آکادمیک و عموماً بی طرفانه‌ای به نگارش درآمده است و می‌تواند برای اساتید، پژوهشگران و دانشجویان علاقه‌مند به بحث و بررسی در زمینه سیاست خارجی امریکا و آشنایی با گروههای تأثیرگذار بر سیاست داخلی امریکا مفید واقع شود. این در حالی است که زبان ساده و توضیح مناسب مطالب کتاب فهم موضوع را آسان می‌سازد و می‌تواند اطلاعات عمومی جامعه را در این باره افزایش دهد.

هر سال شرکتها و گروههای ذی نفوذ ویژه میلیونها دلار برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی امریکا هزینه می‌کنند. این گروهها و شرکتها، غالباً در پشت پرده، درباره موضوعاتی لابی می‌کنند که در راستای تحقق منافعشان قرار می‌گیرد. این گروهها بسیار زیاد و متنوع‌اند. از شرکتهای دخانیات گرفته تا شرکتهای مربوط به انرژی، از مدافعان سقط جنین گرفته تا پشتیبانان حقوق مدنی، همه و همه در این فهرست بزرگ و گسترده قرار می‌گیرند. اما می‌توان گفت در بین همه این گروهها فعالیت هیچ گروهی به مانند لابی رژیم غاصب صهیونیستی در موضوعات خاورمیانه محسوس و فعال نیست.

رژیم اشغالگر صهیونیست متحد کلیدی امریکا در خاورمیانه و عامل اصلی سلطه امریکا در این منطقه محسوب می‌شود. این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که چگونه لابی طرفدار این رژیم و گروههای ذی نفوذ مربوط به طور گسترده‌ای موفق

شده‌اند منابع مالی و حمایت سیاسی لازم را برای اسرائیل غاصب بسیج کنند. نکته جالب اینکه در مقابل، گروه‌های عرب امریکا و دولتهای عربی موفقیت چندانی در زمینه اهداف خود در خاورمیانه نداشته‌اند.

این کتاب با توضیح مناسب و توصیف گروه‌های ویژه ذی‌نفوذ در داخل امریکا نشان می‌دهد که چرا روش‌های مختلف لابی در یک گروه معین مؤثرتر و کارآمدتر از سایر روش‌هاست. نکته مهم دیگری که کتاب به خوبی نشان می‌دهد این است که چگونه موضوعات در یک بستر اجتماعی و فرهنگی در داخل ایالات متحده امریکا قرار می‌گیرد و چگونه رسانه‌ها نگرش عموم مردم را نسبت به خاورمیانه و مسائل و موضوعات آن شکل می‌دهند.

برای توضیح کار و اقدام لابی‌ها به مطالعات موردی از جمله قرارداد سینا و کمپ دیوید در زمان ریاست جمهوری فورد و کارتر اشاره می‌شود. در ضمن تنازع بین یونان و ترکیه و لابی‌های مختلف درباره قبرس و نیز مبارزات عمده در مقابل تحریم اعراب تشریح می‌شوند.

نقطه قوت دیگر این کتاب استفاده از منابع دست اول و اسناد منتشر نشده از کتابخانه‌های مختلف ریاست جمهوری امریکا است. کتاب، حاصل دستاوردهای علمی در خصوص نقش لابی‌ها در شکل‌گیری سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه می‌باشد. این موضوعات به خوبی نشان می‌دهند که لابی‌ها بدون اهمیت دادن به اینکه ریاست جمهوری به چه حزبی (جمهوری خواه یا دمکرات) وابسته باشد به روش‌های خود برای تأثیرگذاری در سیاست خارجی امریکا ادامه داده‌اند و توانسته‌اند در این زمینه موفق عمل کنند.

به پژوهشگران و مطالعه‌کنندگان سیاست خارجی امریکا توصیه می‌شود که در چهارچوب‌های تحقیقاتی و مطالعاتی خود به موضوع گروه‌های لابی و ذی‌نفوذ در سیاست داخلی امریکا به شکل ویژه‌ای تأکید و ضمن آشنایی با نحوه تأثیرگذاری آنان در پیش‌بینی رفتارهای سیاست خارجی واشینگتن از آنها استفاده کنند. نکته قابل توجه دیگر برای پژوهشگران در عرصه سیاست خارجی امریکا، تجزیه و تحلیل

و بررسی پیامدهای ناشی از بازیگری گروه‌های ذی‌نفوذ و لابی‌پردازان رژیم غاصب اسرائیل در سیاست خاورمیانه‌ای امریکاست. بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری خارجی امریکا در خاورمیانه بر اساس خواسته‌های لابی‌های طرفدار رژیم اسرائیل نه تنها در راستای منافع ملی واشینگتن نیست بلکه منجر به بی‌ثباتی و ناامنی بیشتر در منطقه شده است. نکته حائز اهمیت در این راستا اینکه اعمال هر نوع سیاست خارجی امریکا در منطقه خاورمیانه باید ملهم از الهامات و هویت‌های ملی، دینی و مذهبی درون منطقه‌ای باشد، و سیاست حمایت یک‌جانبه سیاست‌گذاران خارجی امریکا از رژیم اشغالگر اسرائیل هیچ‌گاه صلح و ثبات پایدار را در منطقه به ارمغان نخواهد آورد.

دکتر ارسلان قربانی

دکتر رضا سیمبر

## مقدمه

واشینگتن در مورد شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی خود در مورد خاورمیانه چگونه تصمیم می‌گیرد؟ کدام دسته از عوامل داخلی و بین‌المللی قبل از اینکه تصمیم‌گیری به میدان عمل آورده شود مدنظر قرار می‌گیرند؟ این موضوعات به شکل داغی بین متخصصان مورد بحث قرار گرفته و افکار عمومی امریکا را نیز در دهه‌های گوناگون به خود مشغول کرده‌اند. در پی شکستهای واضح سیاست خارجی امریکا پس از حملات یازدهم سپتامبر، بررسی این موضوعات هر چه بیشتر ضروری به نظر می‌رسد.

به عنوان مورخ، گرایش اصلی من برای فهم و توضیح این فرایند عبارت بود از مطالعه سیاستهای امریکا درباره خاورمیانه که از زمان دولت فورد اتخاذ شده بود، و در این راستا از کتابخانه ریاست جمهوری فورد نیز به عنوان منبع اصلی اسناد استفاده شد. با وجود این، فوراً ثابت شد که این کار غیرعملی است زیرا بیشتر اسناد اصلی - و در واقع اکثریت موارد مرتبط با هنری کیسینجر، یعنی اصلی‌ترین معمار سیاست خارجی امریکا در خلال دهه ۱۹۷۰ - هنوز طبقه‌بندی شده باقی مانده است. اما منابعی بسیار غنی درباره تلاشهای لایسته‌ها و گروههای ذی‌نفوذ و گروههای فشار وجود دارد، یعنی گروههایی که نفوذ زیادی در سیاست خارجی امریکا در منطقه خاورمیانه داشته‌اند. با ورود از در پشتی، راه به راهرویی برای تحقیقات متمرکز می‌شود که نشان می‌دهد چگونه لایسته‌ها عمل می‌کنند و چگونه حکومت، به ویژه کاخ سفید، به تقاضاهای وارده توسط لایسته‌ها و گروههای فشار پاسخ مثبت یا منفی می‌دهد.

اگرچه باعث تأسف است اما حساسیت زمان نیازمند افشای کامل پیش‌زمینه‌های من درباره موضوع است. من به عنوان یک خارجی وارد موضوع شدم

در حالی که هیچ ارتباط قومی، مذهبی، ملی یا خانوادگی با هیچ کشور یا افرادی در منطقه خاورمیانه نداشتیم. با وجود این، کل شخصیت دانشگاهی من برای مطالعه این منطقه به کار گرفته شد، با تأکید ویژه‌ای که به توسعه سیاسی و نقش رسانه‌ها در خلال قرنهای نوزدهم و بیستم داشته‌ام.

این مطالعه وارد جزئیات و سازوکارهای داخلی یا تاریخ هیچ لابی یا سازمان یا فرد ذی‌نفوذ مشخصی نمی‌شود، ضمن اینکه به تجزیه و تحلیل یک تصمیم‌گیری سیاسی ویژه یا یک دولت مشخص در امریکا نیز محدود نمی‌گردد. از آنجا که ضرورتاً هیچ لابی داخلی در امریکا در ارتباط با ایران وجود ندارد، این کشور مهم در این کتاب مدنظر قرار نگرفته است. البته این بدان معنا نیست که ایران نقش کلیدی در ملحوظات سیاست خارجی امریکا ندارد بلکه تأکید بر این است که اغلب تصمیم‌گیرها در مورد ایران در راستای منویات وزارت خارجه، پنتاگون، سازمان سیا و کاخ سفید اتخاذ می‌شود، هر چند گاهی تصمیمات آنها با یکدیگر متفاوت است. بنابراین کتاب حاضر مروری کلی و تاریخی در این باره است که چگونه سیاستها اخذ می‌شوند و چه نقشی را لایبها و گروههای فشار در اعمال نفوذ و هدایت سیاست خارجی امریکا در منطقه و خاورمیانه ایفا می‌کنند.

من از اصطلاح اپرا به عنوان یک قیاس ملموس برای به تصویر کشاندن روابط پیچیده درونی بازیگرانی که آفریننده سیاست خارجی اند استفاده می‌کنم. مطالعات موردی نیز بر تحلیلهایی از دوران دولتهای فورد و کارتر استوار است. ضمناً این اقبال را داشته‌ام که با تعداد قابل توجهی از متخصصان لایبهای دارای حق و حقوق، رهبران گروههای فشار و افسران حرفه‌ای سیاست خارجی و متخصصان امور خاورمیانه (از کشورهای مصر، اردن، لبنان، سوریه، قبرس، اسرائیل و فلسطین) مصاحبه کنم. این مصاحبه‌شوندگان به خوبی تجارب شخصی و مشاهدات خود را به من منتقل کردند. فورد و کارتر به ویژه گزینه‌های مناسبی برای مطالعه لایبها و سیاست خارجی اند. هر کدام تنها یک دوره رئیس‌جمهور بودند، یکی از حزب جمهوری‌خواه و دیگری از حزب دمکرات، و هر دو با موضوعات مشابهی در

سیاست خارجی مواجهه بوده‌اند. علی‌رغم تفاوت این دو در روشهای شخصی و پیش‌زمینه‌های فکری‌شان جالب این است که در نهایت هر دوی آنها سیاست خارجی مشابهی را در منطقه خاورمیانه اتخاذ کردند.

نقش اصلی فورس در منطقه خاورمیانه به قراردادهای جداسازی صحرای سینا، خارج کردن مصر از مدار اتحاد جماهیر شوروی، تحریم ضد اعراب و استمرار اشغال و تقسیم قبرس بعد از حمله سال ۱۹۷۴ ترکیه مربوط می‌شود. موضوع قبرس بیانگر یک تضاد آموزنده درباره نفوذ لایبها و گروههای فشار در خارج از حیطه سیاست خارجی رسمی است. در حکومت کارتر قراردادهای کمپ دیوید و سایر قراردادهای متعاقب بین مصر و اسرائیل، تنازع مستمر اعراب و اسرائیل، قبرس، ایران و تا حد زیادی تلاش برای تحریم ضد اعراب از موضوعات اصلی بود.

مطالعات عمده‌ای به انتقاد و ارزیابی - شکستها و پیروزیهای - گروههای لابی در تصمیم‌گیریهای ویژه تخصیص داده شده است. شکستها و موفقیت‌های کم‌رنگ گروههای طرفدار اعراب از یک منظر انتقادی مطالعه می‌شود. لایبهای صهیونیست و اسرائیلی نیز از منظر مشابهی مطالعه می‌شوند. به خاطر وجود عواطف و احساسات هنجاری و ارزشها، برخی از طرفداران اسرائیل می‌کوشند مانع هرگونه انتقادی از اسرائیل یا صهیونیسم شوند. این موضوع باعث شد تا منافع اسرائیل تا حد زیادی حفظ شود در عین حال مانع شد تا عموم مردم و انتخاب‌کنندگان از نقش و نفوذی که لایبهای اسرائیلی بر گروههای فشار و سیاست خارجی امریکا دارند آگاه شوند. در واقع، کاملاً روشن است که انتقاد از برخی اقدامات ویژه اسرائیل جنبه ضد یهودی ندارد، همان‌طور که انتقاد از حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ جنبه ضد عربی یا ضد اسلامی یا مخالفت با حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ جنبه ضد امریکایی نداشته است.<sup>(۱)</sup>

برای فراهم آوردن زمینه‌های بررسی نقش لایبها در شکل‌گیری سیاست خارجی امریکا فصل اول به معرفی روندهایی می‌پردازد که در آن سیاست خارجی اتخاذ می‌شود. دو فصل بعدی مرحله و شیوه‌ای را ارائه می‌کنند که در آن به رسانه‌ها



و سایر مؤلفه‌های فرهنگی مرتبط با خاورمیانه در جامعه امریکا و به برخی از ضعفهای رسانه‌ها در این زمینه نیز اشاره می‌شود، به ویژه در زمینه مسائل مرتبط به موضوعات بین‌المللی. فصل سوم به توصیف آثار منفی رفتار کلیشه‌ای با اعراب و مسلمانان می‌پردازد. به عنوان مثال روند حاکم و بدون تغییر در سیاست خارجی امریکا حمایت مستمر و بی‌چون و چرا از اسرائیل و یونان بوده در حالی که همواره یک سیاست منفی در مقابل اعراب و مسلمانان اتخاذ شده است، این شرایط با رخداد یازده سپتامبر تشدید شد.

فصل چهارم به تشریح فنون و راهبردهایی می‌پردازد که لابیها و برخی گروههای ذی‌نفوذ مخصوص اتخاذ می‌کنند. عوامل اصلی مالی نیز مورد بحث قرار می‌گیرند. در فصل پنجم قبرس به عنوان ایده اصلی یا مطالعه موردی مطرح می‌شود تا نشان داده شود چگونه تلاشهای موفق لابیهای یونانی مقیم امریکا باعث تغییر سیاست خارجی امریکا در خصوص یونان و ترکیه شد. فصل ششم و هفتم به معرفی لابیهای مختلف طرفدار اعراب و اسرائیل و برخی گروههای ذی‌نفوذ مرتبط می‌پردازد. این بحث، کم و بیش با رعایت ترتیب زمانی، از دولت فورد شروع و به تحریمهای ضد اعراب و دولت کارتر ختم می‌شود. در نتیجه‌گیری، تأثیرات مثبت و منفی گروههای لابی بر سیاست خارجی امریکا از دهه ۷۰ تا کنون خلاصه می‌شود. فشار گروههای ویژه ذی‌نفوذ بر سیاستمداران و مسئولان سیاست خارجی هم در عرصه خاورمیانه، هم در امریکا و هم در جامعه جهانی تأثیرگذار بوده است. نتیجه مهم، به ویژه در دولتهای دمکراتیک، این است که مردم از نقاط ضعف و قوت این گروهها آگاه شوند و به این ترتیب از نمایندگان خود خواستار اتخاذ آن دسته از تصمیماتی شوند که به نفع کل جامعه است.